

بافت در سفرنامه‌ها

آر. وئی، بافت، رابنر

مجله ادبی

دکتر داود شایسته‌نژاد

با مقدمه

دکتر شهیندخت خوارزمی

سیرنامه: سلطانی‌نژاد، داود، ۱۳۴۸-

نویان و نام پدیدآور: بافت در سفرنامه‌ها (ارزونی، بافت، رابر) گردآورنده داود سلطانی‌نژاد.

مکان: نشر: تهران: فرهامه، ۱۳۹۹.

تعداد صفحات: ۱۸۵ ص

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: بافت در ایران

موضوع: Baft (Iran) - Literature

موضوع: بافت - سیر سیاح

موضوع: Baft (Iran) - Description and travel

یادداشت: کتابنامه

شابک: 960-8284-51-2

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵ / ۷۲۳۸

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ س ۵ الف / DS۱۲۰۷۵

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۵۴۵۵۹۳



www.farhameh.ir
farhameh@gmail.com

۸۸۴۳۶۲۹ - ۰۴۵ (۲۶۱)

باغ سفرنامه‌ها

روزنیه، بافت رابر

© حق چاپ: اول، ۱۳۹۹، فرهامه

گردآوری: دکتر داود سلطانی‌نژاد

با مقدمه: دکتر شهیندخت خوارزمی

ویرایش: واحد ویرایش مؤسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان

طراحی جلد: آتلیه مؤسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان

© همه حقوق برای انتشارات فرهامه محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس، بازنویس و پی‌دی‌اف و سایر اشکال دیجیتالی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

۷	 سخن نخست
۱۱	 پیشگفتار
۱۵	 پیرامون نام‌های پیشین یافته
۱۹	 المسالك و الممالك (ابن خردادبه)
۲۱	 ایران در صورة الارض
۲۳	 حدود العالم من المشرق الى المغرب
۲۵	 المسالك و ممالك (اصطخری)
۲۷	 احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم
۲۹	 معجم البلدان
۳۱	 سفرنامه‌ی مارکوپولو
۳۱	 بستان‌السیاحه
۴۱	 مرآة البلدان
۴۳	 جغرافیای مملکت کرمان
۶۱	 سفرنامه‌ی سدیدالسلطنه
۶۵	 ده هزار مایل در ایران
۷۳	 جنگ‌های جهانی در ایران
۸۷	 سفرنامه‌ی تلگرافچی فرنگی

۹۳	ملاحان خاک و سیاحان افلاک
۹۹	سراسر ایران بر پشت اسب
۱۱۳	سفرنامه‌ی صولت‌السلطنه‌ی رابری
۱۲۱	سفرنامه‌ی بافت
۱۲۸	سفرنامه‌ی موسیقی بافت
۱۵۳	بافت
۱۵۵	جنوبیای ایالت کرمان در عهد ناصری
۱۷۳	فهرست منابع
۱۷۵	نمایه

سخن نخست

تاریخ، آینه‌ای است بی‌فهرست گذشته و پند گرفتن از آن. سفرنامه‌ها تصویری از گذشته ترسیم می‌کنند که بیشتر حسی است تا عقلانی؛ به همین علت ارزش خاصی دارند. واقعیت را بدون واسطه‌ی عجز و هراس گویند که هست بی‌پرده نشان می‌دهند.

نوشتن سفرنامه، در عصر ماقبل مدرن، مانند تاریخ‌نگاری، روشی بود برای ثبت واقعیت و مستندسازی بخشی از تاریخ یک سرزمین. هر سفرنامه تصویری است خاص از نگاه نگارنده به واقعیت آن زمانه و خواننده سفرنامه به شناخت آن واقعیت در آن زمانه کمک می‌کند. اغلب سفرنامه‌هایی که در این کتاب آمده در زمان‌هایی نگاشته شده که از تکنولوژی پرتوان امروزی برای ثبت رویدادها آری نداشتند. به یاد داشته باشیم که حتی دسترسی به قلم و کاغذ نیز آسان نبود، چون پدید آمدن است مدرن. دوران گذشته نباید با زمانه‌ی امروز مقایسه شود که برای ثبت هر رویدادی در هر لحظه و در هر کجا که هستیم، و حتی تحریف واقعیت، ابزار پرتوانی در اختیار داریم.

جامعه‌ی بشری وارد عصری شده که نه تنها امکان بازنگاری، بازسازی و دگرگون‌سازی وقایع تاریخی گذشته را در اختیار دارد، بلکه به هر فرد امکان داده تا خود تاریخ‌نگار، مستندساز و واقعیت‌ساز شود. زمانه‌ی حاکم بر کتاب حاضر چیز دیگری است و در متن این زمانه باید کتاب را خواند و تفسیر کرد. سفرنامه به خودی خود ارزش فرهنگی دارد. ولی خواندن سفرنامه در صورتی ارزش می‌آفریند که به طرح پرسش‌های

بنیادین بینجامد؛ پرسش‌هایی که آن‌چنان ذهن را درگیر سازد و تا پاسخ آنان را نیابد، آرام نگیرد.

کتاب حاضر را با چنین دغدغه‌هایی باید خواند. این کتاب شرحی است از آنچه که در بیست و یک سفرنامه درباره‌ی بافت به‌دست ایرانیان و غیرایرانیانی که به علل گوناگون به ناحیه سفر کرده‌اند، گرد آمده است. برخی از خارجی‌ها برای سفر از کرمان به مدین از ناحیه‌ی بافت گذر کرده‌اند. تنی چند مانند مارکوپولو و خانم الی کنستانس سیکس با هدف شناخت این بخش از ایران به این ناحیه سفر کرده‌اند. خارجی‌ها اغلب بریتانیایی، آلمانی و روس بوده‌اند. جز مارکوپولو که تاجری و نیزی است. یک سفرنامه توسط خانم سایکس تدوین شده که به‌دست او خواندنی است و به‌خاطر نگاه زنانه بر ارزش کتاب افزوده است.

شکی نیست که نگاه خارجی‌ها بر ایران، نگاه بالادست به فرودست است. به‌ویژه بریتانیایی‌ها که به‌خاطر تجربه‌ی استعماری خود در جهان، خود را برتر از دیگران می‌دانستند. خواننده‌ی خردورز این کتاب متوجه می‌شود که دام این نگاه اسیر نماند و ذهن خود را از این دام رها می‌سازد تا بتواند واقعیت‌ها را دریابد. ولی نویسندگان ایرانی این سفرنامه‌ها بیشتر از صاحب‌منصبان حکومت و با فساد دل آنان هستند که با دو هدف به این ناحیه سفر کرده‌اند: رسیدگی به امور املاک خود و یا تدوین گزارشی از وضعیت اجتماعی این ناحیه برای مقامات بالادست.

کتاب با سفرنامه‌ای آغاز می‌شود که متعلق به هزار سال پیش است و با سفرنامه‌ای به پایان می‌رسد که هشتاد سال پیش نوشته شده است. شاید این نخستین باری باشد که نندی تاریخی از قدمت هزارساله‌ی بافت پرده برمی‌دارد. رخواننده در برابر خود تصویری از بافت می‌یابد که طی هزار سال از نگاه گردشگران خارجی، حاکمان و دولتمردان ایرانی به‌عنوان قریه‌ای معرفی می‌شود نه‌چندان آباد، دارای روستاهای پراکنده و زندگی دشوار مردمانی که در آن سکونت داشتند. آنچه کتاب از وضعیت اجتماعی ناحیه ترسیم

می کند، بافت عشایری چندپارچه ای است که به طور طبیعی وضعیتی ناامن پدید آورده است.

سفرنامه ها بیشتر جغرافیای محل را معرفی می کنند و کمتر به وضعیت اجتماعی و فرهنگی مردم محل پرداخته اند؛ گرچه بارها و بارها به تنبلی مردم و نبود انگیزه ی کار و تلاش و تفکر وضع موجود و نبود نوآوری اشاره می شود. برای مثال طی یک دوره ی زمانه ی طولانی، گردشگران از تلخی نانی می گویند که مردم سال های سال می خورند بدون آنکه از خود بپرسند چرا این نان تلخ است و چگونه می توان این تلخی را از بین برد! آیا در شهر باستان روستای آن مردم وضع نابسامان موجود را تحمل می کنند، یا مسئولیت دشوار تلاش برای بهبود پیشرفت و توسعه را پذیرفته اند؟ به بیانی ساده، مردم از نظر مدل های رفتاری چقدر پیشرفت کرده اند؟

کتاب به ما از نبود جاده، کاوانسرا، نبود غذا و نبود دارو سخن می گوید. در عین حال به وفور آب، حاصلخیزی خاک، وجود آب مناسب برای پرورش دام و انواع میوه و سبزی و غلات اشاره می کند. نویسندگان از کیفیت برنج سخن می گویند که به مراتب بهتر از برنج گیلان، اصفهان و فارس بوده است. من خود مایه این برنج را به یاد دارم؛ برنجی که در دشتبر کشت می شد.

خانم سایکس از انواع گیاهان دارویی کوه های سرسبز این ناحیه می گوید که می تواند تجارتی پر سود باشد، ولی از تجارت و رونق آن سخنی در میان نمی آید. پیام پنهان این نوشته ها شاید این باشد: در بافت و روستاهای آن ثروتی طبیعی وجود دارد که مردم انگیزه و خلاقیت لازم برای بهره وری از آن را به کار نیستند.

پرسش مهم دیگری که در ذهن خواننده طرح می شود این است: امروز این وضع چقدر بهبود یافته است؟ در سفرنامه های خارجی ها، زیست بوم بافت به گونه ای ترسیم شده که نشان از تنوع گیاهی و حیات وحش این ناحیه دارد؛ شمار زیاد پلنگ، خرس و گراز که دیگر نشانی از آن نیست. امروز چه تعداد خرس، گراز، پلنگ و گورخر در این ناحیه باقی مانده است؟ برای حفظ و احیای این گونه ها چه کرده ایم؟ آن هم در زمانه ای

که هم دانش و تکنولوژی حفظ و احیای محیط‌زیست را در اختیار داریم و هم سازمایی که این وظیفه را برعهده دارد. آیا در بافت و روستاهای آن سعی کرده‌ایم جرد زیست‌بومی به فرهنگ تبدیل شود؟ آیا دولتمردان و مردم ناحیه‌ی بافت برای میراث طبیعی خود ارزش قائل هستند؟ این پرسش‌ها و بسیاری پرسش‌های دیگر، نشان از آن دارد که آن کتاب ارزش بسیار دارد.

از دکتر داود سلطانی‌نژاد به‌خاطر تدوین این کتاب باید قدردانی شود و با یاری خود ایشان این کتاب و نکات مهم آن در میان اندیشمندان و دلسوزانی که دغدغه‌ی پیشرفت بافت و روستاهای آن را دارند به بحث گذاشته شود. از آنجا که در دوران نگارش این سفرنامه، رابرت برهونیه از بافت جدا نبودند و در کتاب بخش مهمی از متن در باره‌ی ارزونیه و رابرت است، بهتر است که در این نشست‌ها اندیشمندان این دو شهرستان نیز حضور یابند.

مجدداً از دکتر داود سلطانی‌نژاد برای تلاش بسیار ایشان در راه تعالی فرهنگ بافت و البته تدوین این کتاب و ایجاد فرصت برای خواندن این سفرنامه‌های باارزش سپاس‌گزاری می‌کنم.

شهیندخت خوارزمی

شهریور ۹۷